



اهداف یادگیری و انتظارات پس از مطالعه:

- ۱- شناخت بیشتر اجزای جمله و معرفی اسم
- ۲- آشنایی با فیض کاشانی
- ۳- شناخت بیشتر واژگان
- ۴- تقویت کاربرد لغات جدید متن برای فعالیت‌های املائی و نگارشی
- ۵- استفاده از محتوای درس در فعالیت‌های نوشتاری گفتاری و رفتاری
- ۶- تقویت نگرش مثبت نسبت به خوانش متون نظم و نثر فارس و استفاده از لحن متناسب



محتوای درس

این درس به ما توصیه می‌کند که قدر وقت و لحظه‌های زندگی را بدانیم و از آن بهترین بهره را ببریم و از گذشتن آن، حسرت و افسوس نخوریم. گذرگاه زندگی پر از راه‌های طولانی و پر از خوشی و ناخوشی است. بنابراین، باید راه درست سفر کردن را بیاموزیم و مهارت‌های لازم را به دست آوریم و با اعتماد و توکل به خدا، زندگی را پُر از طراوت و شادابی کنیم. **نکات زبانی:**

حکیمی گفته است: «افسوس که جوان نمی‌داند و پیر نمی‌تواند». در میان سخنان و پندهای بزرگ‌ترها، این عبارت زیاد به کار می‌رود:

«ای کاش وقتی جوان بودیم، کسی به ما می‌گفت، چه کار کنیم تا در آینده وضع بهتری داشته باشیم»؛ یا اینکه «اگر کسی به من می‌گفت چه کار کنم، الآن حتماً وضع بهتری داشتم».

افسوس؛ شبه جمله | درمیان؛ حرف اضافه مرکب | این عبارت؛ نهاد | به کار می‌رود؛ فعل مرکب | ای کاش؛ شبه جمله | (ما) جوان بودیم = جمله اسنادی | وضع بهتری؛ مفعول | چه کار؛ مفعول | حتماً؛ قید نشانه‌دار

نکات ادبی: تضاد پیر و جوان

اگر در پاسخ به حرف آنها بگوییم: «ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است»، آه بلندی می‌کشند و می‌گویند: «هی! دیگر آن نیرو و انرژی جوانی در ما نیست». راست هم می‌گویند. آنها فرصت‌های زیادی را از دست داده‌اند. هر حرکت ثانیه شمار ساعت، ما را از فرصت‌هایی که در اختیارمان هست، دور می‌کند.

نکات زبانی: قیدها؛ هر وقت/از آب | (ماهی)، تازه است | حذف لفظی نهاد/مسند؛ تازه | آه بلندی؛ مفعول(آهی بلند = ترکیب وصفی) | هی؛ شبه جمله | آن نیرو و انرژی جوانی؛ نهاد | نیست؛ فعل غیر اسنادی = وجود ندارد | است/در ما؛ متمم قیدی | از دست داده‌اند؛ فعل مرکب | حرکت؛ هسته | هر حرکت ثانیه شمار ساعت، ما را دور می‌کند | نهاد + مفعول + مسند + فعل مسند پذیر | نهاد + مفعول + متمم(فرصت‌های موجود...) + مسند + فعل مسند پذیر | فرصت‌هایی، هست = وجود دارد، جمله دوجزبی | در اختیارمان؛ متمم قیدی

نکات ادبی: ضرب‌المثل؛ ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است | تشخیص؛ حرکت ثانیه شمار ساعت، ما را دور می‌کند | تکرار؛ فرصت‌ها

مبادا گذر شتابان عمر را مسخره بگیرید یا به حرف بزرگترهایتان گوش نکنید و از تجربه‌های آنان، بهره نگیرید. اگر چنین کنید، پانزده یا بیست سال دیگر، به خود یا دیگری خواهید گفت: «ای کاش کسی را داشتیم که...».

نکات زبانی: مبادا؛ شبه جمله/گذر؛ هسته | مسخره؛ مسند | گوش نکنید؛ فعل مرکب | بهره؛ مفعول | (شما) چنین کنید؛ نهاد + ضمیر اشاره + فعل | پانزده یا بیست سال دیگر | صفت شمارشی + هسته (سال) + صفت مبهم (دیگر) | (شما) به خود (خواهید گفت) یا به دیگری، خواهید گفت | حذف لفظی فعل اول | یا؛ حرف ربط هم‌پایه ساز | دیگری؛ ضمیر مبهم | ای کاش؛ شبه جمله | کسی؛ ضمیر مبهم

نکات ادبی: تشخیص؛ گذر شتابان عمر

به پانزده یا بیست یا حتی سی سال دیگر فکر کنید. با قدرت خیال خود به آینده بروید. چه تصویری از آینده خود دارید؟ حتماً در آن تصویر رؤیایی، به زندگی شیرین و موفق می‌اندیشید. به شغل خوبی فکر می‌کنید که درآمد عالی نصیب شما می‌کند. به احترام و اعتباری که برای خود کسب کرده‌اید، می‌اندیشید.

نکات زبانی: فکر کنید؛ فعل مرکب | قدرت؛ هسته(متمم) + مضاف الیه(خیال) + مضاف الیه(خود) | (شما) بروید؛ جمله دوجزبی | تصور؛ هسته/آینده؛ هسته | تصویر؛ هسته/رؤیایی؛ صفت نسبی/زندگی؛ هسته | شغل؛ هسته/درآمد؛ هسته | کسب کرده‌اید؛ فعل مرکب

نکات ادبی: تشخیص؛ قدرت خیال خود | زندگی شیرین؛ شاید | حس معنوی، زیر مجموعه | حس آمیزی

در نوجوانی، هرگز در خیال کسی نمی‌گنجد که در آینده به انسانی بی‌عاطفه و بداخلاق تبدیل شود. تصور همه از آینده یک زندگی آرمانی، منطقی و سرشار از عشق و عاطفه و انسانیت است.

نکات ادبی: تکرار؛ آینده | مراعات نظیر؛ عشق، عاطفه و انسانیت

زندگی کردن به یادگیری اصول و روش‌هایی نیاز دارد. زندگی، یک سفر است. مدت این سفر برای عده‌ای کم و برای عده‌ای دیگر طولانی و پر فراز و نشیب است. اگر همیشه خود را یک مسافر به حساب بیاوریم، باید ویژگی‌های یک مسافر دائمی را در خود ایجاد کنیم و مهارت‌های لازم را برای گم کردن دشواری‌های سفر و لذت‌بخش کردن آن بیاموزیم.

نکات زبانی: زندگی، یک سفر است؛ سه جزیی اسنادی | کم؛ مسند/فعل اسنادی حذف شده لفظی (است) | طولانی و پر فراز و نشیب؛ گروه مسندی | (ما) خود را یک مسافر، به حساب بیاوریم | نهاد + مفعول + مسند + فعل مسند پذیر | (ما) مهارت‌های لازم را بیاموزیم | جمله سه‌جزیی مفعولی

نکات ادبی: تشبیه بلیغ؛ زندگی به سفر، حذف وجه شبه و ادات | تکرار؛ سفر/عده‌ای/مسافر | تضاد؛ کم و طولانی/فراز و نشیب/دشواری و لذت‌بخش | تشخیص؛ نیاز زندگی به یادگیری

وقتی شما می‌خواهید به کوهستان بروید، ابزار لازم برای کوه‌نوردی را همراه خود می‌برید. هرگاه بخواهید در مراسم مذهبی، مثل «دعای کمیل» یا نماز «جماعت» شرکت کنید، خود را با آداب خاص و لباس مناسب که حسّ و حال مذهبی شما را بالا ببرد، آراسته می‌سازید.

نکات زبانی: شرکت کنید؛ فعل مرکب | (شما) خود را آراسته می‌سازید | نهاد + مفعول + مسند + فعل مسند پذیر

نکات ادبی: مراعات نظیر؛ کوهستان و کوه‌نوردی | مراسم مذهبی، دعای کمیل، نماز جماعت | تکرار؛ مذهبی/خود | تشبیه؛ مراسم مذهبی مثل ...

سفر زندگی هم به مهارت‌هایی نیاز دارد که بدون آنها، زندگی آینده، پر مشقت خواهد بود،
مهارت‌هایی نظیر:

- خودآگاهی: شناخت توانایی‌ها، نیازها، استعدادها و ضعف‌های خود
 - ارتباط مؤثر: ارتباط درست و سنجیده با دیگران
 - تصمیم‌گیری: تدبیر مناسب در موقعیت‌های مهم زندگی
 - چیرگی بر احساسات و هیجانات: مهار احساسات گوناگون، مانند: عشق، خشم و نفرت، ترس و حتی شادی
 - تفکر خلاق: مهارت در کشف و نوآوری، جست‌وجوی راه‌حل‌های جدید برای رویارویی با مشکلات.
- ما می‌توانیم با توکل به پروردگار و تلاش بیشتر به این مهارت‌ها دست یابیم و زندگی خود را سرشار از طراوت و شادابی و شکوفایی کنیم.

نکات زبانی: حرف اضافه؛ بدون/نظیر | مسند؛ پر مشقت | تشخیص؛ نیاز سفر زندگی به مهارت‌هایی | تکرار؛
زندگی/ارتباط | دست یابیم؛ فعل مرکب | گروه مسندی؛ سرشار ... شکوفایی | کنیم؛ فعل مسند پذیر

نکات ادبی: تکرار؛ احساسات | مراعات نظیر؛ طراوت، شادابی | تضاد؛ عشق با خشم و نفرت | ترس با
شادی/تناسب؛ خلاق با کشف و نوآوری



گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است؟ گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

نکات ادبی: قالب شعر غزل است.

ردیف: است

قافیه: نهان، عیان، بی‌نشان، شادمان، فغان، جان

آرایه‌ی تضاد: نهان و عیان

مراعات نظیر: روی، حجاب، رخ

معنی بیت: خطاب به مطلوب خود گفتم: چرا چهره‌ی زیبایت را از من پنهان کرده‌ای؟ پاسخ داد: وجود خود تو، پرده و مانعی برای دیدن من است، وگرنه صورت من آشکار و پیداست.

گفتم که از که پرسم، جانا نشان کویت؟ گفتا: نشان چه پرسی؟ آن کوی بی‌نشان است

نکات ادبی: آرایه‌ی تکرار: کوی جانا: ندا و منادا مصراع اول سه جمله است

معنی بیت: گفتم عزیز من آدرس محله‌ی تو را از چه کسی بپرسم؟ جواب داد: نمی‌خواهد آدرس بپرسی چون ای محله بی‌نشان است.

گفتم مرا غم تو خوش تر ز شادمانی گفتا: که در ره ما غم نیز شادمان است!

نکات ادبی: آرایه‌ی تضاد: غم و شادمانی آرایه‌ی پارادوکس: غم شادمان است

معنی بیت: گفتم غم و غصه تو برای من شیرین‌تر از هر شادی است. پاسخ داد: در مکتب ما غم هم نوعی شادی است.

گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم گفت: آن که سوخت، او را کی ناله یا فغان است!؟

نکات ادبی: مراعات نظیر: سوخت، آتش، ناله، فغان آتش نهان: استعاره از عشق

معنی بیت: گفتم جان من در آتش حاصل از غیبت تو در حال سوختن است. جواب داد: کسی که سوخته و به درجه‌ی نهایی رسیده است. هرگز گریه و ناله سر نمی‌دهد.

گفتم ز «فیض» بپذیر، این نیم جان که دارد گفتا: نگاه دارش، غم خانه‌ی تو جان است!

نکات ادبی: تخلص: فیض تشبیه: غم خانه‌ی تو جان است (جان به غم خانه تشبیه شده)

معنی بیت: به معشوق گفتم: این جان خسته و بی‌رمق مرا از من بپذیر. گفت: آن‌را حفظ کن، زیرا جان تو، جایگاه غم عشق من است.

اعلام

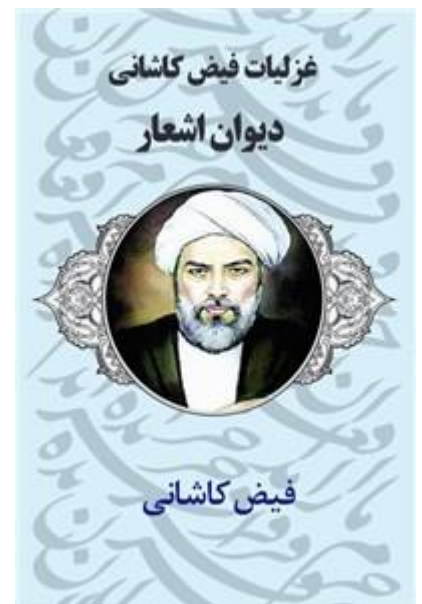
وي از شاگردان حکيم
نامدار «ملاصدرا» بود
و در تمامی علوم ديني،
عرفان، فلسفه و ادبيات
تبخر و مهارت داشت.

تاريخ تولد و وفات:
۱۰۹۰ - ۱۰۰۶
ه.ق.

برخي از آثار او عبارتند
از: تفسير صافي، كتاب
وافي، شرح صحيفه
سجديه، ديوان اشعار و
شوق المهدي.

محمدين مرتضي
كاشاني ملقب به
مولانا محسن
فيض كاشاني

از فقيهان و
دانشوران دوره
صفوي است





واژه‌یاب

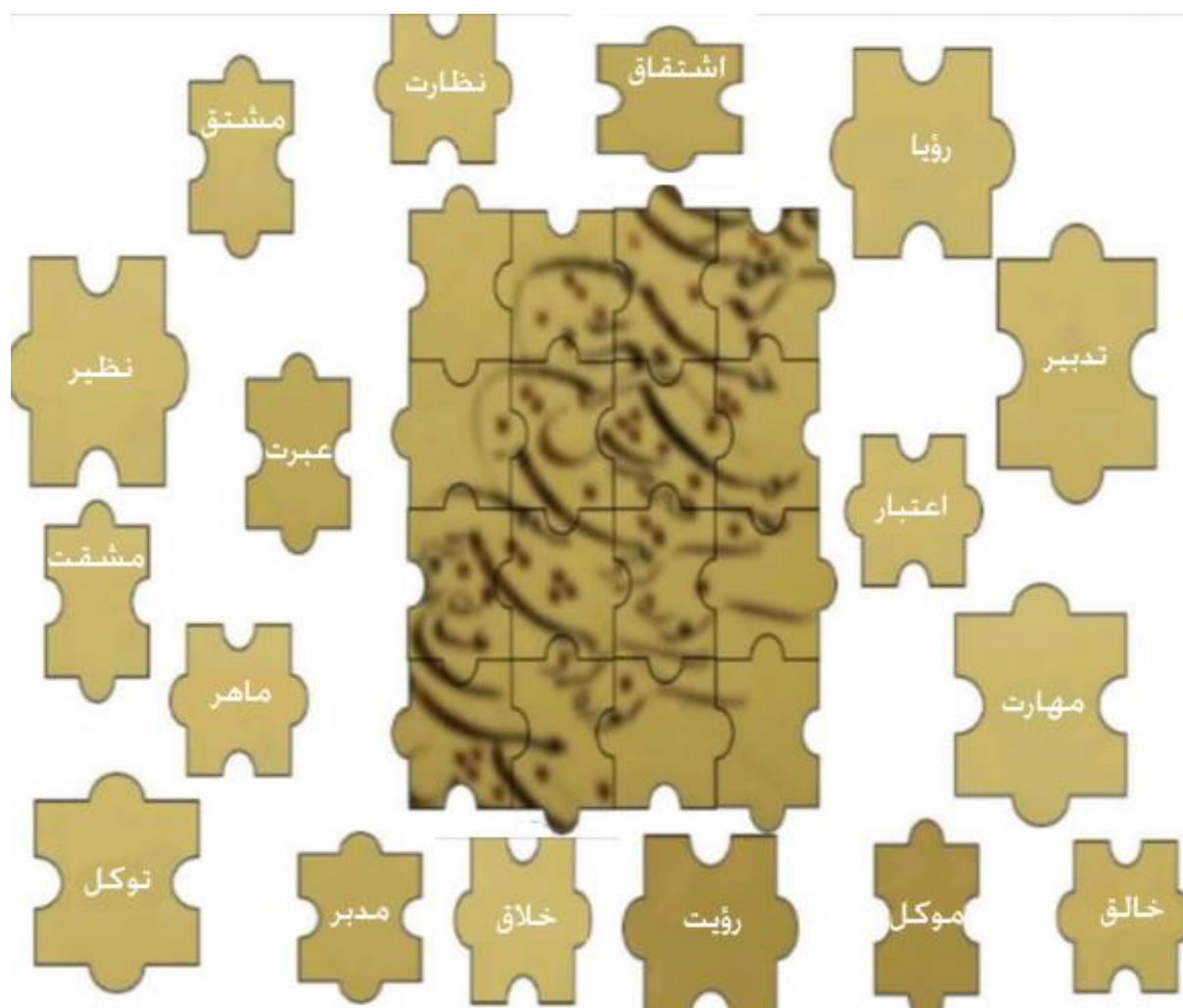


دانشمند	حکیم
همیشگی	دائمی
برای نشان دادن حسرت و پشیمانی، شبه جمله	افسوس
به وجود آوردن	ایجاد کنیم
نصیحت، اندرز	پند
ماهر بودن در کاری، استادی	مهارت
برای نشان دادن شدت درد، تعجب، شبه جمله	آه
جمع ادب، رسم‌ها، روش‌های پسندیده، عادت‌ها	آداب
آگاه باش، شبه جمله	هی!
ویژه، مخصوص	خاص
برای دور نگه داشتن کسی از انجام کاری	مبادا
مرتب، منظم، زیبا شده	آراسته
فایده	بهره
سختی، دشواری	مشقت
بهره، سهم کسی از چیزی	نصیب
مانند	نظیر
ارزش، آبرو، اهمیت	اعتبار

مؤثر	اثر گذار، اثر کننده
کسب کرده‌اید	به‌دست آورده‌اید
سنجیده	حساب شده، دارای کلام مناسب
بی‌عاطفه	بی‌محبت، نامهربان
تدبیر	اندیشیدن، مشورت کردن
آرمانی	مطابق آرزو، ایده آل
موقعیت	فرصت مناسب برای انجام کاری
منطقی	آن‌چه از روی منطق و تعقل باشد
چیرگی	مسلط بودن، غلبه کردن
سرشار	پُر، انباشته
هیجانات	رفتارهایی همراه با حالت عاطفی شدید در برابر موقعیتی غیر منتظره
انسانیت	انسان بودن، رفتار شایسته داشتن
اصول	جمع اصل، ریشه‌ها، بنیادها
مهار	افسار، مهار کردن، تخت اختیار درآوردن
پرفراز و نشیب	پراز پستی و بلندی، پراز خوشی و ناخوشی
خلاق	آفریننده، آفریدگار
طراوت	شادابی و نشاط



هم خانواده‌ها و خوشه واژه‌های مرتبط با هم را پیدا کنید و بنویسید.



نکات املائی

کلمات املایی یا خوشه واژه کلمات داده شده را در قالب یک جمله بنویسید .



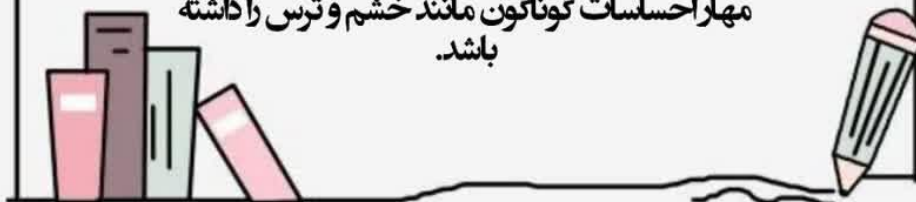


خود ارزیابی

۱. چرا زندگی به یک سفر تشبیه شده است؟
زیرا مانند یک سفر می گذرد. گاهی این سفر کوتاه مدت و گاهی بلند مدت است اما همیشگی نیست.

۲. علت اصلی بحران های زندگی چیست؟ زندگی به یادگیری اصول و روش ها و مهارت هایی نیاز دارد که این مهارت ها به کمک اطرافیان و بزرگترها کامل می شود و اگر انسان در یادگیری امور تلاش نکند زندگی بحرانی خواهد شد.

۳. برای حل مشکل کمرویی یا گستاخی، چه باید کرد؟
حل مشکل کمرویی این است که ارتباط مؤثری با دیگران داشته باشیم. برای حل مشکل گستاخی میتوان گفت که فرد چیرگی بر اساس هیجانات و مهار احساسات گوناگون مانند خشم و ترس را داشته باشد.





یادآوری اجزای جمله و معرفی اسم

سال گذشته آموختید که برای انتقال پیام به شنونده یا خواننده از «جمله» استفاده می‌کنیم. آن بخش از جمله که درباره انجام عمل، رویداد یا ایجاد حالت، اطلاعاتی به ما می‌دهد، «فعل» جمله است. فعل، اصلی‌ترین بخش جمله و محور معنایی آن است. معنی هر فعل، تعیین می‌کند که چند بخش دیگر باید در جمله ظاهر شوند. برخی از فعل‌ها مانند «رفت» تنها با گرفتن نهاد کامل می‌شوند؛ بعضی دیگر مانند فعل «خواند»، علاوه بر نهاد، به مفعول هم نیاز دارند تا جمله کاملی را تشکیل دهند؛ گروهی دیگر از فعل‌ها مانند «خرید» علاوه بر نهاد و مفعول، متمم هم می‌گیرند تا معنی کامل‌تری را به شنونده، انتقال دهند.

فعل	اسم				
	متمم		مفعول		نهاد
رفت.	-	-	-	-	فرهاد
خواند.	-	-	را	داستان	نرگس
خرید.	فروشنده	از	را	کتاب	مینا

در جدول بالا به کلماتی که در ستون نهاد، مفعول و متمم آمده‌اند، توجه کنید.

کلماتی مانند «فرهاد، نرگس، مینا، داستان، کتاب و فروشنده» برای نامیدن کسی یا چیزی به کار می‌روند و «اسم» هستند. اسم می‌تواند در جایگاه نهاد، مفعول و یا متمم قرار گیرد و به ترتیب نقش نهادی، مفعولی و متممی پیدا کند.

با نگاه دقیق‌تر به اجزای جمله، می‌توان نتیجه گرفت که اجزای اصلی تشکیل دهندهٔ جمله، فعل و اسم هستند. فعل، فقط در جایگاه فعلی قرار می‌گیرد؛ اما اسم در دیگر بخش‌های جمله می‌آید و نقش‌های مختلفی را می‌پذیرد.

گفت و گو کنید

۱. روایت «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ: هر کس خدا را بشناسد، خدای خویش را شناخته است»، با کدام مهارت زندگی ارتباط دارد؟ خودشناسی
۲. برای دوست یابی و حفظ دوستان خوب، به چه مهارت‌هایی نیاز داریم؟
ارتباط مؤثر چیرگی بر احساسات





نوشتن

- 
۱. شکل درست کلمه های زیر را بنویسید.
«استعدادها و ضعف ها، محارت های لازم، بهره و
نسیب، احساسات و حیجانات، نضیر و مانند»
«استعدادها و ضعف ها، مهارت های لازم، بهره و
نصیب، احساسات و هیجانات، نظیر و مانند»
 ۲. بخش های هریک از جمله های زیر را در جدول
قرار دهید؛ سپس اسم ها را جداگانه در یک سطر
بنویسید.
اسم ها: ندا، حسین، سیب، علی، روزنامه، دوستش
نهاد: ندا، حسین، علی
مفعول: _، سیب، روزنامه
متمم: _، _، دوستش
فعل: آمد، خورد، داد



نمونه سوالات درس چهارم

سؤالات تستی

۱. در عبارت «حکیمی گفته است: افسوس که جوان نمی‌داند و پیر نمی‌تواند» چند فعل گذرا به مفعول دارد؟

- الف) ۱ ب) ۲ ج) ۳ د) ۴

۲. «شوق مهدی» در چه قالبی سروده شده است؟

- الف) قصیده ب) غزل ج) قطعه د) مثنوی

۳. درون مایه‌ی شعر «شوق مهدی» چیست؟

- الف) دل‌تنگی ب) انتظار ج) آرزو د) همه موارد

۴. محور معنایی یک جمله است؟

- الف) اسم ب) فعل ج) کلمه د) هیچکدام

سؤالات تشریحی

۵. عبارت «خود آگاهی» به چه معناست؟

۶. غلط‌هایی املائی کلمات (منتقی - محارت - تراوت - طدبیر) را پیدا کنید و درست آن‌را بنویسید.

۷. در کدام بیت از شعر «شوق مهدی» تخلص به‌کار رفته است؟

۸. اسم می‌تواند در جمله در چه جایگاه‌هایی قرار گیرد؟

سؤالات کوتاه جواب

۹. شعر «شوق مهدی» اثر کیست؟
۱۰. نام یکی از آثار فیض کاشانی را بنویسید.
۱۱. سفر زندگی به چه مهارت‌هایی نیاز دارد؟ (فقط نام ببرید)
۱۲. شعر «شوق مهدی» در وصف چه کسی گفته شده است؟

سؤالات جای خالی

۱۳. آداب به معنی
۱۴. فعل داشت نیاز به مفعول
۱۵. فعل داد جزئی است.
۱۶. کتاب «تفسیر صافی» اثر است.

سؤالات درست و نادرست

۱۷. فعل بود، نیاز به مفعول دارد.
۱۸. شعر «شوق مهدی» اثر قیصر امین‌پور است.
۱۹. کتاب «وافی» اثر فیض کاشانی است.

سؤالات جور کردنی

۲۰. معنی واژه‌های ستون الف را به ستون ب وصل کنید.

الف	ب
اعتبار	پر، انباشته
اصول	ارزش و آبرو
سرشار	مانند
نظیر	ریشه‌ها و بنیادها

پاسخ سؤالات

۱. گزینه ج
۲. گزینه ب
۳. گزینه د
۴. گزینه ب
۵. شناخت توانایی‌ها، نیازها، استعدادها و صفتهای خود
۶. منطقی، مهارت، طراوت، تدبیر
۷. گفتم ز «فیض» بپذیر، این نیم جان که دارد گفتا: نگاه دارش، غم خانه‌ی تو جان است!
۸. در جایگاه نهاد، مفعول و متمم می‌تواند قرار گیرد.
۹. فیض کاشانی
۱۰. تفسیر صافی، کتاب وافی، شرح صحیفه سجادیه، دیوان اشعار، شوق المهدی
۱۱. خود آگاهی، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری، چیرگی بر احساسات و هیجانات، تفکر خلاق
۱۲. حضرت مهدی (عج)
۱۳. رسم‌ها، روش‌های پسندیده
۱۴. دارد
۱۵. ۳ جزئی
۱۶. فیض کاشانی
۱۷. نادرست
۱۸. نادرست
۱۹. درست
- ۲۰.

اعتبار ← ارزش و آبرو

اصول ← ریشه‌ها و بنیادها

سرشار ← پر، انباشته

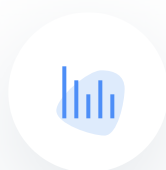
نظیر ← مانند





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد